



## Community-Oriented Punishments: Challenges, Effects and Consequences in Iran's Penal System

## کیفرهای جامعه مدار: چالش‌ها، آثار و پیامدها در نظام کیفری ایران

**Eraj Morvati**

Master of Criminal Law and Criminology, Bakhtar University  
of Ilam, Ilam, Iran (Corresponding Author)

**ایرج مروّتی**  
کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)  
erajmorvati7@gmail.com  
<http://orcid.org/0009-0000-0400-316x>

**Jehanshah Shecary**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and  
Criminology, Bakhtar University of Ilam, Ilam, Iran

**جهانشاه شکری**  
استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران  
Jehanshahshecary@yahoo.com

**Esmail Ghamari**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and  
Criminology, Bakhtar University of Ilam, Ilam, Iran

**اسماعیل قمری**  
استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران  
amir92amir94@gmail.com

### Abstract

Community-oriented punishments are a new generation of punishments that have emerged in the history of human civilization. If in traditional and modern punishments, the emphasis is on exclusion and removal of the criminal from the society or his separation and isolation from the society, in the discourse of "community-oriented criminal justice", there is no talk of exclusion, exclusion and isolation, but of absorption and integration. It is the connection, restoration and participation of the criminal in the society and immediate and quick conformity with the society. The present study was conducted with the aim of investigating the effects, challenges and consequences of community-oriented punishments in Iran's penal system, and it is a descriptive-analytical research with documentary and library methods. According to the research method, the sources used in the research, including books, articles, and internet resources, were first collected, and after analyzing the contents, they were extracted and finally reflected in the text of the research, and finally it can be said: Social punishments are a suitable educational method to strengthen the will of criminals and accustom them to discipline, obeying laws and regulations, peaceful coexistence, playing a social role and especially understanding social responsibilities, preventing the losses of being kept in a closed and important environment. Above all, their rehabilitation and prevention of falling back into the abyss of delinquency is implemented.

**Keywords:** Punishment, Society-Oriented Punishments, Iran's Penal System, Consequences of Society-Oriented Punishments.

### چکیده

کیفرهای جامعه‌مدار نسل نوینی از کیفرها هستند که در تاریخ تمدن بشری ظهور کرده‌اند. اگر در کیفرهای سنتی و مدرن تأکید بر طرد و حذف مجرم از جامعه و یا جداسازی و انزوی او از جامعه است، در گفتمان عدالت‌جویی جامعه‌مدار، سخنی از طرد، حذف و منزوی‌سازی و گوشه‌نشینی کیفری نیست، بلکه سخن از جذب، ادغام، پیوند، ترمیم و مشارکت مجرم در جامعه و هم‌نوایی فوری و سریع با جامعه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار، چالش‌ها و پیامدهای کیفرهای جامعه‌مدار در نظام کیفری ایران انجام شده است و از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی با روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به روش تحقیق، منابع مورد استفاده پژوهش اعم از کتب، مقالات و منابع اینترنتی ابتدا مورد گردآوری قرار گرفته و پس از تجزیه و تحلیل مطالب فیش‌برداری شده و در متن پژوهش منعکس گردیده است و در نهایت می‌توان گفت: مجازات‌های اجتماعی، روش تربیتی مناسبی است که برای تقویت اراده بزه‌کاران و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات، همزیستی مسالمت‌آمیز، ایفای نقش اجتماعی و به ویژه درک مسئولیت‌های اجتماعی، پیشگیری از زیان‌های نگهداری در محیط بسته و مهم‌تر از همه، بازپروری آنان و پیشگیری از سقوط مجدد در ورطه بزهکاری، اجرا می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** کیفر، کیفرهای جامعه‌مدار، نظام کیفری ایران، پیامدهای کیفرهای جامعه‌مدار.

Received: 2023/05/13 - Review: 2023/06/26 - Accepted: 2023/08/07

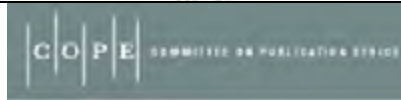
دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۳ - بررسی مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

ارجاع:

مروتی، ایرج؛ شکری، جهانشاه؛ قمری، اسماعیل؛ (۱۴۰۲)، کیفرهای جامعه مدار: چالش‌ها، آثار و پیامدها در نظام کیفری ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## مقدمه

یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی هر جامعه، نظام جزایی آن است که قوانین و مقررات کیفری را در خود دارد. هر جامعه‌ای از بدو پیدایش، برای افراد خود حقوق و امتیازاتی پیش‌بینی نموده، همگان را ملزم به رعایت آن‌ها می‌داند. حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از آسایش و امنیت، حق مالکیت و... از جمله این حقوق و امتیازات است که هیچ‌کس حق ندارد به آن‌ها آسیبی وارد کند. ولی چنین نیست که همگان همواره حقوق دیگران را محترم شمارند و متعرض حقوق و امتیازات دیگران نشوند. حال اگر کسانی به حقوق خویش قناعت نکنند و با تجاوز به حقوق دیگران نظم و تعادل برقرار شده را مختل سازند، ناگزیر جامعه باید از خود عکس‌العمل نشان داده، چنین متجاوزانی را کیفر دهد. بنابراین مجازات یکی از عوامل حفظ نظم و حقوق افراد است. از این روست که از بدو پیدایش جوامع، نظام کیفری یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه‌ای بوده است.

کیفرهای جامعه‌مدار نسل نوینی از کیفرها هستند که در تاریخ تمدن بشری ظهور کرده‌اند. اگر در کیفرهای سنتی و مدرن تأکید بر طرد و حذف مجرم از جامعه و یا جداسازی و انزوای او از جامعه است، در گفتمان «عدالت جنایی جامعه‌مدار»، سخنی از طرد، حذف و منزوی‌سازی و گوشه‌نشینی کیفری نیست، بلکه سخن از جذب، ادغام، پیوند، ترمیم و مشارکت مجرم در جامعه و هم‌نوایی فوری و سریع با جامعه است. نتیجه آن‌که، در پرتو این تغییر دیدمانی یا بینمایی (برابر نهاد مفهوم پارادایم) و تحول گفتمانی، نگاه حقوق جنایی به جرم، مجازات، مجرم، بزه‌دیده، حقوق جنایی ماهوی یا سرشتی، حقوق جنایی شکلی یا آیینی و... دچار دگرگونی اساسی می‌شود.

می‌توان سخن از یک «خرده‌انقلاب کیفری» گفت. در روند تحولات حقوق کیفری، پس از طی شدن دوران اولیه انتقام خصوصی و سپس دادگستری خصوصی و با پدیدار شدن دوره دادگستری عمومی با تحولات و انقلاب‌های بعدی آن دولت به عنوان مظهر قدرت عمومی و نماینده اجتماع، مسئولیت واکنش نسبت به جرم و اعمال عدالت در کلیه مراحل را به عهده گرفت. در این رهگذر سایر مراجع جامعه‌ی کنار گذاشته شده و نقش آن‌ها به شدت کمرنگ شد تا جایی که با مرور زمان، دولت حق دخالت اندکی برای آن‌ها قائل شده و این حق را جزء لاینفک اقتدار و موجودیت خود به حساب آورد. اما دیری نپایید که ادامه یکه تازی دولت در این عرصه مهم، مشکلات عدیده‌ای از قبیل افزایش منابع سخت افزاری اجرای عدالت، تورم قوانین کیفری، افزایش جرائم و هزینه‌های عدالت کیفری و سپس بی‌اعتمادی و ناخشنودی جامعه و اعضای آن نسبت به عملکرد عدالت کیفری را پدید آورد که منجر به اعلام ناکارآمدی فرایند اجرای عدالت از جانب منابع رسمی و غیررسمی شد و موجب گردید تا اندیشه مشارکت جامعه مدنی و مردمی در زمینه واکنش به پدیده مجرمانه در تمام مراحل فرایند کیفری به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای خروج از بحران در کشورهای پیشرفته مطرح شود و کم‌کم با پذیرش و اجرای این راهبرد، ابعاد و جلوه‌های گوناگون آن در این کشورها به منصفه ظهور و اجرا برسد (تیب، ۱۳۸۴، ۲۷). بدون تردید نمود آشکار این نوع از مشارکت مردم و جامعه مدنی به عنوان عناصر کلیدی راهبرد نوین عدالت کیفری را می‌توان در ابداع و ظهور کیفرهایی با عنوان کیفرهای جامعه مدار ملاحظه نمود. این نوع از کیفرها با توجه به نقش فزاینده و غیرقابل انکاری که برای سیاست جنایی مشارکتی قائل می‌شوند جلوه عملی مداخله نهادهای غیررسمی در فرایند اعمال و اجرای دادگستری و برقراری نظم مختل شده در اثر ارتکاب جرم هستند.

پژوهش‌های متعددی با موضوع کیفرهای جامعه مدار در نظام کیفری ایران انجام شده است که به لحاظ موضوع و محتوا قرابت زیادی با پژوهش حاضر دارند لیکن در پژوهش‌های پیشین به آثار، چالش‌ها و پیامدهای کیفرهای جامعه مدار اشاره نشده است و به این لحاظ می‌توان وجه تمایز پژوهش حاضر را با پژوهش‌های پیشین دریافت. جمشیدی و شیرود بزرگی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با موضوع «حقوق کیفری تضمین گر در دولت حداقلی؛ چالش‌ها و راهبردها» بیان نموده‌اند که: حقوق شهروندی بخش اساسی ارزش‌های هر جامعه را تشکیل می‌دهد لذا تعهدات هر جامعه نسبت به این امر، باید از نظر اعتقادی و اخلاقی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند، بنابراین پیش‌بینی منابع قانونی که دائر بر حفظ منافع و حقوق شهروندان باشد اهمیتی به سزا دارد. نحوه واکنش جامعه به جرم تا حدود زیادی مرتبط با مفاهیم

و ایدئولوژی‌های سیاسی است و اصولاً مبانی ایدئولوژیک در تعیین مسیر و نحوه اقدام حقوق کیفری جهت‌دهنده و تعیین‌کننده بوده و در تضییق و توسیع قلمرو حقوق کیفری مؤثر می‌باشد. بسته به نوع نظام سیاسی میزان دخالت دولت در آزادی‌های فردی و زندگی خصوصی متفاوت می‌باشد و افزایش یا کاهش قلمرو مداخله دولت در این حوزه می‌تواند موجب قبض یا بسط جرم‌انگاری‌ها شود. نظریه دولت حداقلی اعتقاد دارد که افراد بدون دخالت دولت می‌توانند مشکلات اجتماعی خود را رفع نمایند. همچنین به جایگزینی ضمانت‌اجراه‌های غیرکیفری نیز حکم نمی‌کند؛ چه بسا وجود آن‌ها در برخی موارد، حتی بیشتر از کیفر حقوق و آزادی‌های فردی را قربانی کند. در این مقاله به جهت تأکید بر حقوق و منافع شهروندان و نقش آنان در روند عدالت کیفری، به جایگاه حقوق کیفری تضمین‌گرا در دولت حداقلی؛ چالش‌ها و راهبردهای مؤثر در جهت این امر که حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به گونه‌ای مطلوب، تأمین و تضمین شود، پرداخته شده است.

نجم سهیلی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با موضوع «مجازات جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران» دریافت کرده است که: نظام عدالت کیفری ایران نیز تحت تأثیر نظام حقوقی رومی-ژرمنی و کامن‌لا، بنا به دلیل وجود آسیب‌های ناشی از مجازات حبس و چالش‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی آن، رفته رفته به سمت مجازات‌های جایگزین حبس گرایش پیدا کرده و در اصلاحات سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی به صورت رسمی در قوانین ماهوی، مجازات‌های جایگزین حبس را پیش‌بینی و وضع نمود که در قالب مواردی نظیر خدمات اجتماعی، جزای نقدی و جزای نقدی روزانه اجرایی گردید. در این مقاله که به روش توصیفی و تحلیلی تهیه و تنظیم شده است رویکرد نظام عدالت کیفری ایران نسبت به مجازات جایگزین حبس، دلایل گرایش نظام عدالت کیفری ایران نسبت به جایگزین کردن مجازات حبس، انواع آن‌ها و البته مشکلات ناشی از اجرای آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج و یافته‌های پژوهش بیانگر این است که پس از جدی شدن بحث مجازات جایگزین حبس از سال ۱۳۹۲، ظرف این مدت محدود یعنی کمتر از یک دهه، پیشرفت قابل توجهی در حوزه مجازات جایگزین حبس ایجاد شده است و رویه قضایی نیز علیرغم چالش‌های موجود، رفته رفته نسبت به استفاده از این ظرفیت اقبال نشان داده و از آن استفاده کرده است، هرچند که به نظر می‌رسد همچنان می‌توان این ظرفیت را با استفاده از تجربیات کشورهای دیگر بسط و گسترش داد.

پورقهرمانی و کرمانیان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با موضوع «چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در ایران» بررسی نموده‌اند که: نظام نیمه‌آزادی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است که به

پیروی از دگرگونی‌های علوم جنایی در کشورهای غربی و در پاسخ به کاستی‌های مجازات حبس به نظام کیفری کشورمان راه یافته است. در این نهاد کیفری، فرد محکوم اوقاتی از محکومیت خود را با هدف شتاب‌بخشی به روند‌های بازپروری و اصلاح و نیز کاستن از پیامدهای ناگوار تحمل مجازات حبس، در خارج از محیط آسیب‌زای زندان سپری می‌کند. این نهاد کیفری همانند دیگر نهادهای کیفری هرچند سودمند وارداتی، با وجود همه پیامدهای سازنده خود با چالش‌هایی همراه است. چالش‌های حقوقی (فقدان رویه قضایی، ابهام در ضمانت اجرا، مرجع صادرکننده، لزوم یا عدم لزوم درخواست آن از سوی محکوم‌علیه، مرجع صادرکننده، پیوند آن با نهادهای کیفری دیگر، چیرگی حبس‌گرایی نظام کیفری، باورمندی کمتر به نهادهای ارفاقی کیفری و نیز استثناء کردن برخی از جرائم از شمول این نهاد کیفری) و فراحقوقی که به دو دسته جرم‌شناختی (چالش مربوط به کارکردهای متعارف نظام عدالت کیفری و چالش‌های پس از آزادی از زندان در نظام نیمه‌آزادی) و نیز اجرایی (کمیبود نیروی انسانی کارآمد و باورمند و حبس‌گرایی دادرسان) تقسیم می‌شود، از این حیث سزاوار یادآوری هستند. این پژوهش که با روش توصیفی نگاشته شده، درصدد است مهم‌ترین چالش‌های پیش‌گفته را شناسایی و راهکارهای مناسبی را در برابر آن‌ها به دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری ایران پیشنهاد کند.

بهره‌مند (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با موضوع «سیاست حبس زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران» بیان نموده است که: با مطالعات صورت گرفته در علم کیفرشناسی مشخص شده، مجازات حبس دارای آثار سوئی است که مرتکب جرم، خانواده او و در کل جامعه را متضرر می‌سازد و منافع آن کمتر از هزینه‌های آن است. از این رو، امروزه سیاست حبس زدایی به عنوان یکی از مصادیق کیفرزدایی مورد توجه سیاستگذاران عمومی بوده است. بررسی این سیاست در نظام قانونگذاری ایران در سطوح مختلف (اعم از اسناد بالادستی و قوانین عادی) و سیر تحولات صورت گرفته در این خصوص و قوانینی که همسو با این سیاست یا مغایر با آن به تصویب رسیده‌اند و پاسخ به این پرسش که قوانین موجود تا چه اندازه در راستای حبس زدایی بوده‌اند، موضوع این مقاله است. نگارنده با بررسی اسناد مذکور به این نتیجه رسیده که سیاست حبس زدایی که مورد تأکید اسناد بالادستی بوده، در لایه قانونگذاری به طور کامل پیاده نشده است و با این که خصوصاً در قانون مجازات اسلامی، نهادهایی برای اجرایی شدن این سیاست پیش‌بینی شده است، برخی از مقررات یا مانع اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست یا کاملاً مغایر آن بوده‌اند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی آثار، چالش‌ها و پیامدهای کیفرهای جامعه مدار در نظام کیفری ایران انجام شده است و از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی با روش اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به

روش تحقیق، منابع مورد استفاده پژوهش اعم از کتب، مقالات و منابع اینترنتی ابتدا مورد گردآوری قرار گرفته و پس از تجزیه و تحلیل مطالب فیش‌برداری شده و در نهایت در متن پژوهش منعکس می‌گردد.

## ۱- مفهوم کیفر

کیفر یا جرم در لغت به معنای گناه، خطا و بزه به کار می‌رود، در معنای گناه نیز به کار بد، بزه، عمل زشت، نافرمانی، معصیت و جرم اشاره شده است. در فرهنگ دهخدا جرم به معنی گناه و تعدی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷). اصل معنی کیفر یا جرم، بریدن میوه از درخت است و برای هر کسب و کار زشت و مکروه، استعاره شده است و به معنی وادارکردن به کار ناپسند نیز اطلاق شده است. کیفرهای جامعه مدار نسل جدیدی از مجازات‌ها هستند که امروزه تصمیم‌گیرندگان سیاست‌جایی از طریق آن‌ها درصدد دستیابی به بازپروری بزه‌کاران می‌باشند.

## ۲- مفهوم کیفرهای جامعه‌مدار در نظام کیفری ایران

کیفرهای جامعه‌مدار از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می‌شوند از سویی دیگر، حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه، وجدان‌کاری و نظم اجتماعی را در بزهکار افزایش می‌دهند. در نتیجه، بازسازی او را در اجتماع آسان و سریع می‌کند به عبارت دیگر، کیفرهای جامعه‌مدار آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی است که در کنار هم، موجبات بازهم‌نوسازی اجتماعی بزهکار را فراهم می‌کنند. کیفرهای جامعه‌مدار در مفهوم عادی ناظر بر ضمانت‌اجراهایی می‌باشند که در قالب فرایند کیفری در برابر بزه اعمال خواهند شد، ضمانت‌اجراهایی که وصف عمده آن‌ها اجتماعی بودن شان می‌باشد به این مفهوم که از وصف غالب انتقامی و کفاره‌ای کیفر دور شده و به ویژگی نشأت گرفتن از بطن اجتماع نزدیک می‌گردند، مجازات‌هایی که منسوب به اجتماع، جامعه‌مدار و علاقه‌مند به تأمین منافع اجتماعی‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ۱۱). مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان که شامل دوره مراقبت، خدمات عمومی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی می‌باشند، با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اجرا می‌شود و مجازات‌های یادشده، با ملاحظه نوع و خصوصیات جرم ارتكابی، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم، دفعات ارتكاب جرم، وضعیت بزه دیده، آثار ناشی از ارتكاب جرم و سایر اوضاع و احوال و جهات مخففه تعیین می‌شوند. ویژگی این نسل از مجازات‌ها آن است که در بستر جامعه و نه در نهادهای دولتی (زندان و مؤسسه‌های مشابه) اعمال می‌شوند. برای نمونه، بانک‌ها محل اجرای حکم جریمه روزانه یعنی دریافت آن خواهند بود یا ممکن است خدمات عمومی در بیمارستان‌ها، خانه‌های سالمندان و... اعمال شوند. به همین سبب، به این مجازات‌ها، کیفرهای جامعه‌مدار اطلاق می‌شود

به بیان دیگر، بزه کار در جامعه باقی می‌ماند و در واقع آزادی خود را در عین تحمل کیفر صادر شده حفظ می‌کند (قاسمی مقدم، ۱۳۸۵).

براساس ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها نودویک روز تا شش ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.» البته استفاده از این مقررات برای مجرمان و محکومانی است که سابقه کیفری نداشته‌اند یا از سابقه کیفری آن‌ها بیشتر از پنج سال نگذشته باشد. اگر مجرمی در مدت کمتر از پنج سال از وقوع جرم، بیش از یک سابقه کیفری با تحمل تا شش ماه حبس داشته باشد یا تنها یک فقره سابقه کیفری با مجازات بیش از شش ماه حبس داشته باشد در این صورت نمی‌تواند از مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین بهره‌مند شود. آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در شهریور ۱۳۹۳ به تصویب هیات وزیران رسید، که براساس ماده ۲ این آئین‌نامه خدمات عمومی رایگان در شش دسته تقسیم بندی شدند. الف- امور آموزشی شامل سوادآموزی، آموزش‌های علمی، فرهنگی، دینی، هنری، ورزشی، فنی و حرفه‌ای و آموزش سبک زندگی و مهارت‌های اساسی آن. ب- امور بهداشتی و درمانی شامل اقدامات تشخیصی درمانی، توانبخشی، مامایی، بهیاری و پرستاری، نگهداری سالمندان، معلولان و کودکان، مشاوره و روان‌درمانی، بهداشت محیط و درمان اعتیاد. پ- امور فنی و حرفه‌ای شامل خدمت در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، صنایع وابسته به نهادهای پذیرنده و بخش‌های فنی آن‌ها. ت- امور خدماتی شامل نگهداری و سرایداری نهادهای پذیرنده، نظافت اماکن عمومی، حفاظت و نگهداری از فضاهای سبز و بوستان‌های شهری و باغبانی در اماکن مزبور، تعمیر و تنظیف وسایل نقلیه عمومی و دولتی و اماکن ورزشی و پارکبانی. ث- امور کارگری شامل کارگری در بخش‌های ساختمانی، راهسازی، معادن، شیلات، مراتع، سدسازی و دیگر طرح‌های عمرانی متعلق به نهادهای پذیرنده. ج- امور کشاورزی، دامداری، جنگلداری و مرتع‌داری شامل درختکاری، باغبانی، برداشت محصول، مرغداری، پرورش آبزیان و انجام کار در نهادهای پذیرنده و مؤسسات کشت و صنعت وابسته به آن‌ها.

### ۳- ویژگی‌های کیفرهای جامعه مدار

کیفرهای جامعه مدار در مفهوم عادی ناظر بر ضمانت اجراهایی می‌باشند که در قالب فرایند کیفری در برابر بزه اعمال خواهند شد. کیفرهای جامعه مدار که به عنوان ابزارهای اجتناب از مجازات حبس و حذف آثار سوء ضمانت اجراهای سالب آزادی به کار می‌روند به دلیل متصف بودن به ویژگی‌های ذیل، دارای کارآیی لازم بوده و به عنوان جایگزین‌های مجازات‌های توقیفی شناخته می‌شوند.

### ۳-۱- جامع و مشارکتی بودن

در مفهوم موسع سیاست جنایی، تنها دولت به معنی نهادهای رسمی مختلف همانند دادگستری، وزارتخانه‌ها و... عهده دار پاسخ به پدیده مجرمانه نیستند، بلکه پاسخ‌های ارائه شده از سوی جامعه مدنی و نهادهای مختلف مردمی نیز به پاسخ‌های دولتی افزوده می‌شوند. به دیگر سخن، دولت و جامعه مدنی در قالب هیأت اجتماع عهده دار پاسخ به پدیده مجرمانه می‌شوند (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۲۵) زیرا مشارکت عامه مردم در سیاست جنایی به کارایی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالابردن کارایی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوبی بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد مربوط می‌شوند (لازرژ، ۱۳۸۲، ۱۲۴). بنابراین امروزه به نقش مردم در فرایند عدالت کیفری بیش از پیش توجه می‌شود و در کنار سازمان‌ها و نهادهای رسمی، مردم نیز در تأمین منافع جامعه نقش به‌سزایی دارند. یکی از خصوصیات مجازات‌های جایگزین حبس جامعه‌ی بودن آن است و محکوم مجازاتش را در اجتماع تحمل می‌کند. در لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در ماده یک به صراحت به مشارکت مردم و نهادهای مدنی در اجرای مجازات‌های اجتماعی اشاره شده بود، ولی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این عبارت حذف شده است. اما با توجه به ذاتی بودن مشارکت مردم در این نوع مجازات‌ها این حذف، تأثیری در کاهش نقش مردم در اجرای این مجازات‌ها نمی‌تواند داشته باشد.

### ۳-۲- دوسویه و توافقی بودن

از مهم‌ترین خصیصه‌های مجازات‌های جامعه‌مدار، دوسویه و توافقی بودن آن است؛ یعنی علاوه بر اراده مقام قضائی، اراده بزهکار نیز لازم است تا این جایگزین‌ها قابلیت اعمال داشته باشند. این رویکرد، اراده بزهکار را در عرض اراده مقام قضائی قرار می‌دهد و آن را از حالت عمودی و یک‌سویه خارج می‌کند و برای بزهکار در فرایند دادرسی نقشی فعال قائل می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۷، ۶۱). براین اساس بزهکاران یکی از طرفین توافق کیفری به‌شمار می‌روند و این حق را دارند که به بررسی ابعاد پیشنهاد مقام قضایی مبادرت ورزند. چندان که می‌توانند پس از ارزیابی این پیشنهاد نسبت به قبول یا رد آن اظهار نظر کنند. به این ترتیب، بزهکاران به عنوان قبول‌کننده پیشنهاد مقام قضایی مثل دادستان می‌توانند در بستر توافقی شدن مداخله کنند (نیازپور، ۱۳۸۷، ۱۰۸). از آنجاکه حکم به جایگزین‌های حبس محدودیت‌های جسمانی و روانی برای شخص محکوم دارد، مجرم باید نسبت به اجرای آن راضی باشد؛ یعنی، مجرمان حق دارند از کاری که از آنان خواسته می‌شود، به‌طور دقیق آگاه شوند (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۲۷).



توافقی و رضایی بودن جایگزین‌های حبس به صراحت در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پذیرفته شده است، از جمله در ماده ۸۳. همچنین در مورد نظارت الکترونیکی نیز در ماده ۶۱، رضایت محکوم، شرط اعمال این مجازات دانسته شده است. در مورد سایر جایگزین‌ها (دوره مراقبت، جزای نقدی روزانه و جزای نقدی) هر چند به صراحت در قانون نیامده است، ولی تا موقعی که بزهکار اراده‌ای بر انجام آن نداشته باشد، مسلماً اجرای آن ممکن نیست و همان حبس اجرا می‌شود. مطابق تبصره سوم ماده ۸۳ «در صورت عدم رضایت محکوم به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می‌شود».

### ۳-۳- قابل بازگشت بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های مجازات‌های جامعه مدار، این است که قابل برگشت می‌باشند و آن نیز در صورتی است که محکوم به تعهدات مقرر عمل ننماید که در این صورت، همان مجازات اولیه که حبس می‌باشد، دوباره به اجرا درمی‌آید. در واقع ضمانت اجرای عدم اجرای صحیح جایگزین‌های حبس، اعمال همان حبس مقرر در حکم می‌باشد. طبق ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورات یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود». همچنین مطابق ماده ۸۰: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورات دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌شود».

### ۳-۴- قابل تعلیق، تبدیل و تخفیف

از دیگر خصیصه‌های مجازات‌های جامعه مدار، این است که چنانچه به واسطه مانع خارجی خارج از اراده محکوم یا به واسطه معذوریتی مربوط به محکوم، امکان اجرای آن موقتاً ممکن نباشد، قابل تعلیق است. مطابق ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن، بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود». همچنین طبق تبصره چهارم ماده ۸۳ این قانون: «قاضی اجرای احکام می‌تواند بنا به وضع جسمانی و نیاز به خدمات پزشکی یا معذوریت‌های خانوادگی و مانند آن‌ها، انجام خدمات عمومی را به طور موقت و حداکثر تا سه ماه در طول دوره، تعلیق نماید یا تبدیل آن را به مجازات جایگزین دیگر به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد کند». همان‌طور که معلوم است، این ماده فقط در

مورد یکی از جایگزین‌های حبس، یعنی انجام خدمات عمومی موارد تعلیق و تبدیل آن را بیان نموده است و معلوم نیست آیا سایر جایگزین‌های حبس نیز قابل تبدیل یا تعلیق می‌باشند یا خیر؟ ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تخفیف مجازات بعد از اجرایی شدن حکم را بیان نموده است.

### ۳-۵- عدم طرد مجرم از اجتماع

مجازات‌های جامعه مدار، طوری اعمال می‌شوند که مانع زندگی عادی محکوم نشوند و فرد ضمن این که در اجتماع مثل بقیه مردم زندگی می‌کند، مجازات خود را نیز تحمل می‌کند. محکوم احساس نمی‌کند از جامعه طرد شده است و خود را قربانی آن نمی‌داند، بلکه هنوز احساس مسئولیت نسبت به هم‌نوعانش در وی خاموش نشده و با گذشت مدت زمانی به اجتماع برمی‌گردد. مطابق ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «ساعات ارائه خدمات عمومی برای افراد شاغل از چهار ساعت و برای افراد غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم گردد». همان‌طور که این ماده صراحت دارد، مجازات‌های جایگزین حبس نباید طوری اعمال شوند که مانع زندگی عادی محکوم شود و وی را به سختی اندازد و باعث فشار روانی یا اقتصادی بر وی و خانواده و اطرافیانش شود.

### ۴- چالش‌های اعمال و اجرای کیفرهای جامعه مدار در نظام کیفری ایران

یکی از مهم‌ترین معضلات پیش روی نظام قضایی کشور جهت کاهش مجازات حبس استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و استفاده از تدابیری چون تعلیق مجازات، تخفیف، آزادی مشروط، اعمال سیستم زندان‌های باز و نیمه باز و عدم قابلیت پذیرش این اقدامات از سوی مردم است.

#### ۴-۱- نگاه حاکم در جامعه به کیفرهای جامعه مدار

سیاست‌های قوه قضاییه جهت کاهش استفاده از مجازات حبس در نتیجه اندیشه‌ها و جنبش‌هایی است که در دوران معاصر در حوزه حقوق کیفری مطرح شده است. ولی تفکر عمده مردم کشور ما از مجازات تفکرات مربوط به مکاتب کلاسیک حقوق کیفری است. جامعه ما هیچ‌گاه حاضر نیست اقداماتی چون خدمات عمومی و کارهای عام المنفعه (نظیر کار در بیمارستان‌ها و مراکز خیریه) را به عنوان مجازات بپذیرد. از دیدگاه یک فرد عادی تعلیق مجازات رهاکردن مجرم و نشان از ضعف نظام قضایی است. از نظر او آزادی مشروط یعنی عدم اعمال کیفر و کسی که با آزادی مشروط از زندان آزاد می‌شود، به سزای خود نرسیده است. در چنین شرایطی که تفکر حاکم بر عامه مردم از مجازات سزادهی به مجرم است و نه

اصلاح او، اعمال سیاست‌های اصلاحی در مجازات‌ها که نتیجه آن کاهش مجازات زندان است نمی‌تواند مثمرتر باشد. مجازات زمانی می‌تواند مؤثر باشد که مردم آن را به عنوان مجازات بپذیرند. جنبه بازدارندگی مجازات تا حدود زیادی بستگی به طرز تلقی مردم از آن مجازات دارد. مجازاتی که از نظر مردم مجازات نباشد جنبه بازدارندگی ندارد و فقط موجب بدبینی به سیاست‌های قضایی می‌شود.

#### ۴-۲- عدم فرهنگ سازی عدالت ترمیمی در جامعه

قوه قضاییه در چنین شرایطی بایستی پیش از هر چیز تفکر مردم نسبت به مجازات را تغییر دهد. در ابتدا این اندیشه را در ذهن مردم نهادینه سازد که هدف از مجازات صرفاً سزادادن مجرم نیست بلکه هدف اصلاح و بازگرداندن او به جامعه است. با پذیرش این نظر می‌توان گفت از آنجا که تحقیقات گسترده در جهان و ایران ثابت کرده که مجازات حبس و اعمال مجازات‌های جایگزین را در کشور اعمال نمود. بنابراین قوه قضاییه می‌بایست در راستای فرهنگ سازی پذیرش برنامه‌های کاهش مجازات حبس و اعمال مجازات‌های جایگزین و آشنانمودن مردم با اندیشه‌های جدید حقوق کیفری اقدام نماید.

#### ۵- آثار و پیامدهای کیفرهای جامعه مدار در حقوق کیفری ایران

امروزه، در بیشتر کشورهای پیشرفته، انجام کیفرهای جامعه مدار به عنوان یکی از جایگزین‌های زندان کوتاه مدت در قوانین کیفری پیش بینی شده است. کیفرهای جامعه مدار می‌تواند تأثیر مثبتی بر کاهش جمعیت زندان‌ها و پیشگیری از تکرار جرم داشته باشند. همچنین، کیفرهای جامعه مدار موجب پرهیز از انگ خوردن شخص محکوم به برچسب زندانی شده و مجرم را توانا به حفظ روابط خانوادگی اش می‌کنند.

#### ۵-۱- نداشتن خطرها و عیب‌های زندان

زندان مکانی است که مجرم‌ان اتفاقی و غیرحرفه‌ای در کنار مجرم‌ان حرفه‌ای در آنجا قرار می‌گیرند. این مسئله سبب می‌شود که مجرم‌ان حرفه‌ای، تجربه‌ها و مهارت‌های خویش را به مجرم‌ان اتفاقی انتقال دهند. در نتیجه، هنگام خروج از زندان، آنان به مجرم‌ان خطرناک و کنترل ناپذیری تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر، زندان تأثیرهای روانی نامطلوبی بر فرد دارد و از نظر اجتماعی نیز باعث از هم گسیختگی خانواده‌های زندانیان می‌شود، ولی کیفرهای جامعه مدار از خطرها و مفسدات زندان می‌کاهد و مانع تماس محکومان با مجرم‌ان حرفه‌ای و خطرناک می‌شود. گذشته از این ایراد کلاسیک، خطر شیوع بیماری‌های مهلکی چون ایدز و هپاتیت به ویژه در میان مجرم‌ان مواد مخدر از بزرگ‌ترین عیب‌های امروز زندان به

شمار می‌رود. بررسی‌ها نشان داده است که بروز این بیماری‌ها زندانیان را دچار یک حالت انزوای شدید کرده و حس یاس و ناامیدی را در آنان تشدید می‌کند. آموزش مأموران زندان در این مورد نیز ناکافی بوده است. در همین راستا، یکی از تلاش‌های سازمان اصلاحات کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۹، پی‌ریزی طرح‌هایی در زمینه گسترش راهکارهای مناسب درمانی و مراقبتی برای زندانیان مبتلا به ایدز بوده است (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ۶۸).

زندان علاوه بر پیامدهای منفی جسمانی، هویت محکوم را از میان می‌برد و به ویژه در زندان‌های بلندمدت، آنچنان اختلالی در شخصیت او به وجود می‌آورد که نتیجه آن پیروی محض یا حالت تهاجمی است که شکل شورش در زندان، درگیری با سایر زندانیان و همانند آن آشکار می‌شود. علاوه بر این، زدن بر حسب مجرم بر محکوم و زندانی و جدا کردن او از جامعه و زندگی در شرایط خاص، سبب می‌شود که محکوم حس مسئولیت‌پذیری خود را نسبت به کسانی از دست بدهد که او را از آن خود نمی‌دانند و پس از خروج از زندان، تکلیف کمتری نسبت به رعایت ارزش‌های مورد قبول جامعه در خود احساس کند (آشوری، ۱۳۸۲، ۴۰). در نتیجه، فرد زندانی تا اندازه زیادی شانس و فرصت زندگی آبرومندانه و بهره‌مندی از حقوق و امتیازهای اجتماعی را از دست می‌دهد. به تبع آن، چنانچه زندانی، سرپرست خانواده باشد، مشکلات تربیتی و اقتصادی فراوانی برای افراد وابسته به زندانی ایجاد می‌شود. زندان به ویژه در ارتباط با قشرهای آسیب‌پذیر مانند زنان، تأثیرات جبران‌ناشدنی را در پی دارد. زندانی شدن زنان موجب فروشکستن سازوکارهای حمایتی، اقتصادی، عاطفی و گسستن آن‌ها از شبکه‌های نیرومند خانوادگی، خویشاوندی، همسایگی، قومی، قبیله‌ای و در نتیجه انزوای اجتماعی آنان می‌شود. برخی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که معمولاً زندانی شدن زنان، منجر به طلاق آن‌ها از سوی شوهران شان می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸، ۷۴).

## ۲-۵- کاهش هزینه‌های احداث زندان و نگهداری زندانیان

از آنجاکه مجازات‌های زندان کوتاه مدت به طور عمده به جرم‌هایی مربوطاند که همگام با پیشرفت صنعت و فناوری و با هدف برقراری نظم اجتماعی ایجاد شده‌اند و شمار این جرم‌ها نیز رو به فزونی است، نگهداری این زندانیان نیازمند ساختن زندان‌های بسیاری است که هزینه فراوانی را بر دوش دولت می‌نهد و در نهایت به جامعه ضرر وارد می‌کند. از این رو، با جایگزین کردن کیفرهای جامعه‌مدار می‌توان چنین هزینه‌های گزافی را کاهش داد (پرچمی و درخشان: ۱۳۹۷، ۶۸).

### ۵-۳- جبران خسارات بزه دیده

توجه خاص عدالت ترمیمی به نیازهای بزه دیدگان وجه متمایز آن از سایر الگوهای عدالت و به ویژه عدالت کیفری است. آن گونه که در پارادایم ترمیمی بزه دیده شنیده می‌شود، بزه دیدگی تثبیت می‌شود و قدرت تعیین نوع خسارت و حتی پاسخ‌دهی به بزه‌کار به وی داده می‌شود (حاجی ده آبادی و سلیمی، ۱۳۹۶، ۳۲۰). در مدل کیفرگذاری هدفمند، بزه دیده بر جریان تصمیم دادگاه تأثیر می‌گذارد. حق تعیین سرنوشت دعوی کیفری به مجرم نیز به این معناست که قانونگذار و مقام قضایی در موارد خاص اراده بزه‌کار را در نتیجه دعوی کیفری دخالت دهند. اعطای این حق به مجرم ارتباطی تنگاتنگ و عمیق با حفظ کرامت انسانی، اجرای عدالت، اصلاح و بازپروری، افزایش حس مسئولیت‌پذیری، توجه به شخصیت مجرم، تناسب مجازات و پیشگیری از جرم دارد (حاجی ده آبادی و قادری نیا، ۱۳۹۵، ۷۳). در مدل کیفرگذاری هدفمند، بزه‌کار به مثابه ابزار و وسیله نگریسته نمی‌شود که با اعمال کیفر بر او اعاده نظم و پیشگیری از جرم حاصل شود، بلکه بزه‌کار غایت کیفر است و با اعطای حق دخالت در تعیین سرنوشت دعوا، کرامت ذاتی وی پاس داشته می‌شود. البته اعطای این حق مطلق نیست و هم در اجرا و هم در میزان دخالت اراده بزه‌کار، مقید به شروط بسیاری از جمله اصلاحی بودن هدف مجازات یا رضایت بزه دیده است.

### ۵-۴- ارتقای پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به این که بیشتر زندانیان را افراد جوان و بهره‌مند از نیروی کار تشکیل می‌دهد، استفاده از آنان برحسب توانایی‌های فکری و جسمی نظیر کارهای عام‌المنفعه و سودمند به حال جامعه، به پیشرفت جامعه کمک فراوانی خواهد کرد (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ۶۸).

### ۵-۵- اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی بزه‌کار

اصولاً زندان باعث افسردگی روحی و جسمی محکومان می‌شود و حس انتقام جویی آنان را افزایش می‌دهد. حال آن که، کیفرهای جامعه مدار از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می‌شود و از سوی دیگر، حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه، وجدان کاری و نظم اجتماعی را در مجرم افزایش می‌دهد و در نتیجه بازسازی او را در اجتماع آسان می‌کند (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ۶۸).

### ۵-۶- داشتن قابلیت اجرایی

در پاره‌ای موارد، محکوم به دلیل نداشتن توانایی مالی، نمی‌تواند جزای نقدی را بپردازد و از سوی دیگر،

زندانی کردن چنین فردی (که اغلب نیز خطرناک نیست) هیچ سودی برای مجرم و جامعه در پی نخواهد داشت. در چنین مواردی، قاضی می‌تواند چنین فردی را به فراخور توانایی اش به یکی از کیفرهای جامعه مدار محکوم کند تا همزمان، هدف‌های سزادهی و سودمندی مجازات‌ها نیز جامه عمل بپوشد. به طور کلی، می‌توان گفت که کیفرهای جامعه مدار روش تربیتی مناسبی است که برای تقویت اراده مجرم و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات، همزیستی مسالمت آمیز، ایفای نقش اجتماعی و به ویژه درک مسئولیت‌های اجتماعی و سرانجام، پیشگیری از تکرار جرم و زیان‌های نگهداری در محیط بسته اجرا می‌شود (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ۶۸).

#### ۵-۷- پیشگیری از تکرار جرم

یکی دیگر از جنبه‌های ارزیابی آثار کیفرهای جامعه مدار، ناظر به تکرار جرم است (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷، ۶۸). کیفرهای جامعه مدار با هدف کاهش تکرار جرم یا به عرصه ضمانت اجراهای کیفری گذارده اما نه با روش انفعالی بلکه با تأثیرگذاری بر بزهکار جهت بازسازی اجتماعی او. به عنوان نمونه در خدمات اجتماع محور مطالبه این خدمات از بزهکار نشان از آن دارد که جامعه وی را طرد نموده است و همچنان او را عنصر مطلوبی می‌داند، لذا آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی بدون آن که انگ و برچسبی بر وی زده شود او را از تکرار بزه منصرف خواهد کرد. بدین ترتیب کیفرهای جامعه مدار را می‌توان وسیله‌ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت در مجرم و شیوه مثبت و مؤثری برای خسارت جرم‌های ارتكابی آنان به شمار آورد که رشد شخصی و عزت نفس مجرم را نیز ارتقاء می‌بخشند. کیفرهای جامعه مدار به مجرم نشان می‌دهند که هرچند جامعه از مجرمیت او متأثر شده است، اما می‌تواند به او، به عنوان یک عنصر سودمند و سازنده نیز بنگرد. به عبارت دیگر، کیفرهای جامعه مدار آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی است که در کنار هم، موجبات بازسازی مجرم را فراهم می‌کنند (آشوری، ۱۳۸۲، ۳۲۷). بنابراین می‌توان گفت که هدف کیفرهای جامعه مدار، فراهم کردن یک مجازات اجتماعی ارزشمند و سودمند است که می‌تواند باعث بازاجتماعی شدن، اصلاح و کاهش تکرار جرم شوند.

#### ۵-۸- بازپروری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت در بزهکار

یکی از اهداف اصلی کیفرها اصلاح بزهکار است. ریشه‌های این تفکر اگرچه به نظرات فلسفی و حقوقی

افلاطون، ارسطو و آشیل بازمی‌گردد، اما این موضوع به عنوان یک نظریه در کیفرشناسی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم ارائه شد. در سال ۱۹۰۱ هنری بوائیه بیان داشت: «افراد نابهنجار و کجرو خواستار آنند که درمان ویژه‌ای غیر از مجازات برای آنان فراهم آید. پاسخ این درخواست (اصلاح و درمان) بیماری و رفع شرایط نابهنجار است که مانع از اطاعت قانون شده است». (دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۰، ۴). این هدف کیفر به ویژه پس از ظهور جنبش دفاع اجتماعی نوین مهم‌ترین هدف مجازات تلقی شد (بولک، ۱۳۸۴، ۳۳). کیفرهای جامعه مدار نیز به واسطه داشتن صبغه اجتماعی و ادعای آن که در جهت جلوگیری از اثرات سوء زندان ایجاد شده‌اند، این هدف را در صدر اهداف خود قرار داده‌اند. همچنین، در خلال اجرای کیفرهای جامعه مدار، بزهکار از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه دیده آگاه می‌شود و با احیای احساسات نیک انسانی، مسئولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و در مجازات‌هایی چون خدمات اجتماع محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم بهره‌مند می‌گردد و زمینه بازگشت وی به جامعه فراهم می‌شود (دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۰، ۴).

#### ۵-۹- کیفرهای جامعه مدار و سازگاری اجتماعی بزهکار

بازسازگاری اجتماعی بزهکار را که از اهداف عمده مجازات‌های اجتماعی محسوب می‌شود و عدم تکرار بزهکاری، دارای صبغه‌ای تاریخی بوده و در روش‌های گوناگون نظام عدالت کیفری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تا مدت‌ها زندان و مجازات‌های سالب آزادی همراه با فرایندهای متنوعی چون ارباب، تنبیه و درمان رسالت مذکور را دنبال می‌کرد. آنچه در سده هجدهم تحت عنوان عبرت زندانی به کار گرفته می‌شد همراه با مجازات‌های سختی چون بردگی کیفری، کار اجباری مشقت بار در زندان‌ها یا در بیمارستان‌های روانی بود اما نتوانست از انتقادهای ناظر بر افزایش میزان جرائم زندانیان پس از آزادی در امان بماند. همان اندازه که در قرن نوزدهم اندیشه تأکید بر ندامت و پشیمانی محکوم در زندان‌های کلیسایی رهبانی با پیروزی روبرو نگشت. همان قدر که افسانه درمان در زندان در طی قرن بیستم با شکست مواجه شد. در نتیجه رسالت‌های بازسازگاری اجتماعی بزهکار و انطباق پذیر ساختن مجدد او پس از محکومیت نه با کیفرهای بدنی و انتقامی و نه در قالب روش‌های گوناگون سالب آزادی در زندان، تحقق یافت، از این رو تمرکز بر وجه اجتماعی کیفرها مورد تأکید واقع شد، وجهی که از آغاز سده بیستم تحت اشکال مختلفی چون کیفرهای محدودکننده حقوق اجتماعی مثل فعالیت‌های شغلی یا در قالب

برخی اقدامات تأمینی و تربیتی و درمانی شکل گرفت و به تدریج در راستای فرایندهایی همانند تعلیق ساده و آزادی مشروط نمایان شد تا رویکردی به انطباق‌پذیری مجدد بزهکار، دفاع از جامعه و تحقق اهداف قضازدایی و کیفرزدایی داشته باشند (دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۰، ۱۷).

#### ۵-۱۰- ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری

مردم هنگامی احساس امنیت و آرامش می‌کنند که اجرای قانون را با چشمان خود مشاهده کنند. امروزه شمار زیاد زندانیان و هزینه‌های بالای آن‌ها باعث شده که بسیاری از محکومان به حبس به مرخصی‌های گاه طولانی مدت بروند. لذا بزه دیدگان و جامعه ناآشنا با حقوق با مشاهده این افراد گمان به فساد دستگاه قضایی برده و احساس بی‌اعتمادی در آن‌ها زیاد می‌شود. حقیقت این است که پاسخ به برخی از گرایش‌های سختگیرانه نسبت به جرم و ضرورت فراهم کردن منابع مالی برای مبارزه با آن بسیاری از مسئولان کشورها را با مشکل روبرو کرده است. در برابر زندان‌های پرجمعیت و هزینه‌های سنگین ساخت زندان، کیفرهای جامعه مدار مسئولان را توانا می‌کند تا به جامعه اطمینان دهند که ضمن صرفه جویی‌های مالی و مدنظر قراردادن اقدام‌های پیشگیرانه ناظر به وقوع جرم، با جرم ارتكابی نیز به شدت برخورد می‌شود (هاشم بیگی، ۱۳۷۲، ۱۹۸).

#### نتیجه

در قوانین کیفری ایران، با رویکردی دوگانه و متضاد نسبت به کیفر مواجه هستیم. برای مثال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از طرفی با اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق و تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و حتی اعمال مجازات‌های تکمیلی، سعی در توجه به شخصیت بزهکار و رویکرد اصلاح مدارانه برای بازسازی بزهکاران براساس ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های انسانی شده و از طرف دیگر با اتخاذ برخی از مجازات‌های تعزیری از قبیل انتشار حکم محکومیت قطعی، محرومیت از حقوق اجتماعی، شلاق و... رویکردی دارد که در نوع خود متعارض با اصلاح و بازسازی فرد محکوم بوده و در ایجاد زمینه‌های تکرار جرم به دلیل عدم لحاظ کرامت انسانی در نوع و کیفیت این مجازات‌ها، بی‌تأثیر نخواهند بود. البته نکته مثبتی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ وجود دارد، قابل اعمال بودن مجازات‌های تکمیلی درخصوص بزهکارانی است که محکوم به مجازات‌های حد و قصاص شده‌اند، می‌باشد. درواقع قانونگذار با این اقدام، در مسیر اصلاح و بازپروری



بزهکاران محکوم به حد و قصاص نیز گام مؤثری برداشته است. قانون کاهش مجازات‌های حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به طور جدی‌تری به لایحه قانون مجازات‌های اجتماع محور پرداخته و در راستای اصلاحیه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سعی دارد کیفرهای جامعه مدار را در بستر جامعه افزایش داده و اجرایی نماید.

امروزه این امر مسلم شده است که مجازات زندان، ناقص حقوق بشر است. چراکه آثار و پیامدهایی دارد که با هدف و غرض اصلی از اعمال مجازات زندان کاملاً متفاوت است. مجموعه فضا و شرایط زندان نه فقط کمکی به بازپروری شخصیت محکوم و بازگرداندن او به اجتماع نمی‌کند؛ بلکه سبب هتک حرمت شدید و طبعاً آسیب‌های روحی و روانی می‌گردد. عواملی از قبیل «سوءرفتار زندانبانان با زندانیان، نحوه نگهداری زندانیان، فساد در زندان، عدم رعایت بهداشت در زندان، شرایط اسفبار ساختمان زندان‌ها و اشباع زندان‌ها» عواملی است که باعث شده مجازات زندان تأثیری بر اصلاح مجرم و جرم زدائی نداشته باشد. حتی اسباب جرم زائی و مجرم پروری را نیز فراهم آورد. از طرف دیگر افزایش آمار زندانیان و مخارج سنگینی که به این دلیل بر دوش دولت گذارده می‌شود و نیز افزایش جرائم و مفاسد درون زندان‌ها، چندی است که توجه مسئولان، برنامه ریزان و محققان را به خود جلب کرده است و باعث شده است که یکی از مباحث مطرح شده امروزی، بحث ضرورت زندانی نشدن مجرمان یا به اصطلاح زندان زدائی از جرائم و مجازات‌ها باشد. کارگزاران قضا به این نتیجه رسیده‌اند که نباید در هر چیزی مجرم را به حبس و زندان محکوم کرد. چراکه این امر نه تنها، نتیجه مطلوب که همان ممانعت از ارتکاب جرم است را نداده بلکه مضرات فراوانی هم داشته است و این باعث شده که به شیوه‌های غیر از زندان به عنوان جانشین زندان متوسل شویم.

بدین ترتیب، کیفرهای جامعه مدار از یک سو باعث تقویت روحیه و توانایی جسمانی آنان می‌شوند از سویی دیگر، حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه، وجدان کاری و نظم اجتماعی را در بزهکار افزایش می‌دهند. در نتیجه، بازسازی او را در اجتماع آسان و سریع می‌کنند. به عبارت دیگر، کیفرهای جامعه مدار آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی است که در کنار هم، موجبات باز هم نواسازی اجتماعی بزهکار را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که هدف کیفرهای جامعه مدار، فراهم کردن مجازات اجتماعی ارزشمند و سودمندی است که می‌تواند باعث بازسازی، اصلاح و کاهش تکرار جرم شوند. زیرا اجرای این گونه کیفرها، این فرصت را به محکومان می‌دهند تا افزون بر ادای دین خود به جامعه در

برابر جرم ارتكابی خود، مهارت جدیدی را نیز (در کیفر خدمات عام المنفعه) که در بازگشت دوباره آنان به جامعه مؤثر است، فراگیرند. تحقق همه اهداف مزبور در گرو قانونگذاری صریح و شفاف در زمینه کیفرهای جامعه مدار، دادرسان آموزش دیده و متخصص، تشکیل پرونده شخصیت بزهکاران، مجریان آموزش دیده، تنوع کمی و کیفی کیفرهای جامعه مدار و وجود سازمان و نهادهای فعال، متعهد و دارای برنامه‌ریزی دقیق است. به طور کلی، در صورت تحقق یافتن شرایط مذکور، می‌توان گفت کیفرهای جامعه مدار، روش تربیتی مناسبی‌اند که برای تقویت اراده بزهکاران و عادت دادن آنان به نظم و انضباط، رعایت قوانین و مقررات، همزیستی مسالمت آمیز، ایفای نقش اجتماعی و به ویژه درک مسئولیت‌های اجتماعی، پیشگیری از زیان‌های نگهداری در محیط بسته و مهم‌تر از همه، بازپروری آنان و پیشگیری از سقوط مجدد در ورطه بزهکاری، اجرا می‌شوند.

پژوهش حاضر به لحاظ قیاس با نتایج پژوهش‌های پیشین با نتایج پژوهش‌های نجم سهیلی (۱۳۹۹) و بهره‌مند (۱۳۹۶) مطابقت و همسویی لازم را داشته است.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

- احمدی، احمد، ۱۳۸۸، نقش کیفر خدمات عام المنفعه در پیشگیری از تکرار جرم، **مجموعه مقالات**

**نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم**، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی، پلیس و پیشگیری ناجا.

- آشوری، محمد، ۱۳۸۲، **جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین**، چاپ اول، تهران، انتشارات گرایش.

- بولک، برنار، ۱۳۸۴، **کیفرشناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد.

- بهره مند، حمید، ۱۳۹۶، سیاست حبس زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، نشریه راهبرد، شماره  
- پرچمی، داوود و درخشان، فاطمه، ۱۳۹۷، بررسی جرائم اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرائم،  
**مطالعات جامعه‌شناسی**، شماره ۴۰.
- پورقهرمانی، بابک و کرمانیان، پیروش، ۱۴۰۰، چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در ایران، **مطالعات  
حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۵۱.
- تیت، مارک، ۱۳۸۴، **فلسفه حقوق**، ترجمه حسن رضایی خاوری، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه  
علوم اسلامی رضوی.
- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰، **سیاست جنایی مشارکتی**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- جمشیدی، علیرضا و شیروودبزرگی، مجتبی، ۱۴۰۰، حقوق کیفری تضمین‌گر در دولت حداقلی؛ چالش‌ها و  
راهبردها، **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۹.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی و قادری نیا، محمد، ۱۳۹۵، مبانی، آثار و چالش‌های حق مجرم در تعیین  
سرنوشت خویش در دعوای کیفری، **حقوق اسلامی**، شماره ۵۱.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی و سلیمی، محمدعلی، ۱۳۹۶، مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل  
کیفرگذاری هدفمند، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۹.
- دفتر بررسی‌های حقوقی، ۱۳۸۰، **جایگزینی مجازات زندان با سایر مجازات‌ها**، شماره ۶۰۵۲، تهران،  
انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، **لغت نامه**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسمی مقدم، حسن، ۱۳۸۵، ارزیابی میزان اثربخشی مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و  
ایالات متحده آمریکا، **پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دانشگاه امام  
صادق (ع).
- لازرژ، کریستین، ۱۳۸۲، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران،  
انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، **تاریخ تحولات حقوق کیفری**، تقریرات درس سیاست جنایی،  
دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهیه و تنظیم مهرداد رایجیان اصیل، دانشکده حقوق،  
دانشگاه شهید بهشتی.

- نجم سهیلی، فاطمه، ۱۳۹۹، مجازات جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری ایران، **دوفصلنامه تحقیقات**

**حقوق قضایی**، شماره ۲.

- نیازپور، امیرحسین، ۱۳۸۷، کارکرد بازپرورانه کیفرهای جامعه مدار؛ با تأکید بر لایحه قضایی مجازات‌های

اجتماعی جایگزین زندان، **مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۴.

- هاشم بیگی، حمید، ۱۳۷۲، تعلیق مراقبتی مجازات، **پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و**

**جرم‌شناسی**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی